



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



امتحان

جواد محمد شاہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امتحان

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امتحان
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	سخن ناشر
۱۵	سرآغاز
۱۸	امتحان چیست؟
۲۱	حتمیت آزمایش
۲۵	دنیا، سرای آزمایش
۳۰	چرا امتحان می شویم؟
۳۵	چگونه امتحان می شویم؟
۴۱	آزمون مالی
۴۴	حج، آزمونی دیگر
۴۹	آزمون در بوته سختیها
۵۵	درباره مرکز

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه . برگزیده . شرح

عنوان و نام پدیدآور : امتحان / جواد محدثی .

مشخصات نشر : مشهد : بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲ .

مشخصات ظاهری : ۱۰۴ص..م س ۸×۱۱/۵؛

فروست : درسهایی از نهج البلاغه؛ ۶.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۴-۸۸۵-۰ :

یادداشت : چاپ هفتم .

یادداشت : چاپ قبلی : بنیاد پژوهش های اسلامی ۱۳۹۱ □ (۴۴ص.) .

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس .

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- دیدگاه درباره امتحان الهی

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. . نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع : امتحان الهی

موضوع : ایمان (اسلام)

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. . نهج البلاغه . برگزیده . شرح

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹ / الف ۸۲ م ۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۷۴۰۸۰

ص: ۱

اشاره

امتحان

جواد محدثی

ص: ۳

فهرست مطالب

سخن ناشر ۷۰۰۰

سرآغاز ۹۰۰۰

امتحان چیست؟ ۱۲۰۰۰

حتمیت آزمایش ۱۵۰۰۰

دنیا، سرای آزمایش ۱۹۰۰۰

چرا امتحان می شویم؟ ۲۴۰۰۰

چگونه امتحان می شویم؟ ۲۹۰۰۰

آزمون مالی ۳۵۰۰۰

حج، آزمونی دیگر ۳۸۰۰۰

آزمون در بوته سختیها ۴۳۰۰۰

ص: ۵

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر تشبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غواصی شود، درسها و حکمتهای زندگی ساز و پربهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن، در پی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند و در شرح سخنان پر ارج او کتابها نوشته اند.

سخنان حضرت علی علیه السلام، هم در زمینه مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»^(۱).

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

که من شهر علمم علیم در است

درست این سخن قول پیغمبر است^(۲)

ص: ۷

۱- المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۷.

۲- شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ۱/۱۸ - ۱۹.

و چنان که خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ فَتَحَ أَلْفَ بَابٍ»^(۱).

رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - به من هزار باب [علم] آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگ «شناساندن کلام و شخصیت علی علیه السلام»، تصمیم بر عرضه درسهایی زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، با این باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیه السلام، در حدّ بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان، به ویژه نسل جوان است. از این رو عرضه و انتشار این سلسله درسها با قلمی روان و خلاصه، می تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجه الاسلام آقای جواد محدّثی که در «پژوهش» و «نگارش» این کتاب همت گماشته اند، صمیمانه تقدیر می شود. باشد که این گام و اقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل بیت علیهم السلام و کتاب جاودانه نهج البلاغه فراهم آورد.

ص: ۸

«امتحان»، یکی از سنتهای الهی است.

بسیارند کسانی که ادعای «ایمان» دارند، یا خود را قوی و قهرمان می دانند، یا می پندارند که عدالتخواه و حق طلب اند، یا خود را «مؤمن» و «مسلمان» و مطیع فرمان خدا می دانند،

اما... از کجا معلوم شود که راست می گویند؟

گاهی مسأله بر خود انسان هم مشتبه می شود و خود را مقاوم، صبور، متقی، با انصاف، طرفدار حق و عدل، خدا ترس و با ایمان می داند، اما تا آزموده نشود، میزان مقاومت و انصاف و خداترسی و ایمان او برای خودش هم روشن نمی گردد.

اینجاست که «امتحان»، روشنگر واقعیت می شود و «آزمون»، میزان توانایی و برخورداری اشخاص را از فضایل آشکار می سازد. مثل یک وزنه سنگین که وسیله امتحان است. آن کس که خود را نیرومند می پندارد، اگر توانست آن وزنه را بلند کند، معلوم می شود که قدرتمند است و اگر نتوانست، ضعف او روشن می شود.

پس، امتحان که سنت همیشگی و تغییرناپذیر الهی است، برای این است که افراد به یک شناخت و ارزیابی درست از خودشان و دیگران دست یابند.

فراز و نشیب حوادث و سرد و گرم روزگار، گاهی جوهره اشخاص را بروز می دهد و درستی ادعاهای آشکار می کند و پاکی و آلودگی افراد را روشن می سازد.

اینکه حافظ می گوید:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

اشاره به همین موضوع دارد و «محک تجربه» همان صحنه ها و وسایل آزمایش است که حقیقت افراد را بر خودشان و بر همگان آشکار می سازد.

توجه به این مسأله که ما در طول زندگی همواره در معرض آزمونیم و عملکرد ماست که درستی ادعاهای ما را ثابت می کند، بسیار سازنده است. خداوند هم برای تنبیه و عبرت انسان، صحنه های امتحان برایش پیش می آورد، تا از غفلت درآید و واقع گرا شود.

در کلمات نورانی حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، اشاراتی زیبا به این درس مهم زندگی است و می تواند چراغ راه ما در پیمودن مسیر زندگی گردد.

آنچه در این مجموعه مختصر می خوانید، فروغی از سخنان حکیمانه آن حضرت است.

گفتنی است که در این جزوه نیز همچون جزوات پیشین ، مبنای جملات و شماره های خطبه ها و نامه ها و حکمتها ، نهج البلاغه نسخه «صبحی صالح» است.

امید است که پیوسته درسهای نهج البلاغه را آویزه گوش و روشنگر جان و صفابخش زندگی خویش قرار دهیم و از این گنجینه نفیس، هر چه بیشتر بهره مند گردیم.

جواد محدّثی

تابستان ۱۳۸۴ ش

ص: ۱۱

امتحان چیست؟

امتحان و آزمون، آن است که برای انسان، صحنه و شرایط و مسائلی پیش آید که میزان آگاهی، توانایی، صبر و شجاعت، ایمان و تقوا، مهارت و کاردانی او برای خودش یا دیگران روشن شود.

البته هر کسی و هر چیزی به نوع خاص و وسیله جداگانه ای امتحان می شود. مثلاً میزان معلومات دانش آموز با امتحان، قدرت بدنی کسی با وزنه برداری، میزان و کیفیت طلای یک گوهر با محک زدن، قدرت روحی و صبوری کسی با تحمل سختیها، شجاعت کسی با رویارویی با حریف در میدان جنگ، سلامتی یا بیماری فرد با مراجعه به پزشک، میزان بندگی کسی با اطاعت فرمان و... شناخته و معلوم می شود.

اگر آزمونی در کار نباشد، خوب و بد، ضعیف و قوی، خالص و ناخالص، اصلی و تقلبی، فرمانبردار و نافرمان و دانا و نادان شناخته نمی شود و هر کس ادعا می کند که قوی ترین، پاک ترین و داناترین انسان است و هر تولید کننده ای کالای خود را برترین جنس و هر شخصی خود را مسلمان ترین افراد معرفی می کند. آنچه تعیین کننده میزان خلوص و

بندگی و اصالت و قدرت و علم اشخاص است ، «امتحان» است.

امتحان و آزمون ، یک بُعد سازنده هم دارد و آن اینکه افراد ، به ضعفها و کاستیهای خود پی می برند و دچار غرور نمی شوند. برای جامعه هم مفید است، چون نسبت به اشخاص ، شناخت دقیق تری پیدا می شود و ادعاهای بی دلیل اشخاص به سادگی پذیرفته نمی شود.

فراز و نشیبهای زندگی و تحولات گوناگون اجتماعی ، یکی از وسایل امتحان افراد و نشان دهنده شخصیت فکری و روحی و عملی آنان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ».(۱)

در تغییر و تحوّل حالها [و دگرگونی روزگار] گوهر مردان شناخته می شود.

این همان پیش آمدن «محک تجربه» است که در شعر حافظ به آن اشاره شد، تا سیه رویی افراد ، یا صدق و سلامتشان را آشکار سازد.

چه خوب است که انسان ، از شکستها یا پیروزیهای افراد در آزمونهاشان عبرت و درس بگیرد. امتحان ، یک تجربه است، اگر برای ما هم پیش نیامده باشد ، افراد بسیاری امتحان پس داده اند ، یا خوب یا بد ، یا موفق یا ناکام ، از محصول آن آزمایشها و تجربه ها درسهای گرانبایی می توان آموخت. مثل کسی که از جلسه امتحان و کنکور بیرون می آید ، یا از آزمون رانندگی فراغت می یابد ، یا از جلسه مصاحبه یک گزینش و استخدام خارج می شود ، یا با یک حریف قوی مبارزه می کند ،

ص: ۱۳

آنچه که از این رهگذر به دست می آید، برای دیگران می تواند راهگشا باشد. به شرط آنکه در پی بهره گیری از نتایج یک آزمون باشند.

از این رو، حضرت امیر علیه السلام به پند گرفتن از چنین تجربه هایی سفارش می کند، تا از حاصل امتحانات دیگران، در ما آمادگی برای حضور در عرصه آزمون پیدا شود. می فرماید:

«مَنْ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِالْبَلَاءِ وَالتَّجَارِبِ، لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنَ الْعِظَةِ» (۱).

هر کس را که خداوند، از بلا و آزمون و تجربه ها سود نرساند، از هیچ پندی بهره نخواهد گرفت.

اینکه آزمایش، جوهره اشخاص و حقیقت آنان را بر ملا می سازد و خالص و ناخالص را از هم جدا می کند، نکته بسیار مهم و سودمند است.

از امتحان، با واژه های مختلفی در قرآن و احادیث و نهج البلاغه تعبیر شده است. یکی از آنها «فتنه» و «افتتان» است. فتنه هم معانی گوناگونی دارد که یکی از معروف ترین آنها «امتحان» و «ابزار امتحان» است. فتنه در لغت به معنای قراردادن طلا در کوره آتش است، تا گداخته شود و میزان خلوص و عدم خلوص و عیار آن مشخص گردد، (۲) و اگر طلا- مورد چنین آزمایشی قرار نگیرد، به راحتی طلای تقلبی به مشتریان داده می شود و مردم خسارت می بینند و فریب می خورند.

ص: ۱۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- مفردات، راغب اصفهانی.

آزمایش، یکی از «سنت‌های الهی» است. معنای سنت، قوانین و مقررات حتمی و فراگیر و تغییرناپذیری است که خداوند در خلقت و تاریخ قرار داده است و هیچ انسان و هیچ قومی، از اینکه مورد امتحان الهی قرار گیرند، استثنا نشده اند.

در قرآن کریم، هم به اینکه مردم به وسیله خیر و شرّ مورد آزمایش قرار می گیرند اشاره شده است، (۱) هم به اینکه همه افراد و امّت‌ها امتحان می شوند و به صیرف گفتن اینکه «ما ایمان آورده ایم» رها نمی شوند و مسلمانان نیز - همانند پیشینیان - مورد آزمایش الهی قرار می گیرند (۲).

حضرت علی علیه السلام در سخنی به این حتمیت آزمایش که در قرآن آمده، اشاره دارد. در نهج البلاغه آمده است که وقتی آن حضرت با مردم بصره سخن می گفت و به راه راست دعوت می کرد و پند می داد، کسی برخاست

ص: ۱۵

۱- «وَنَبَلُّوكُمُ بِالْإِسْئَارِ وَالْخَيْرِ فَتَنَّهُ» انبیاء ۲۱ - ۳۵.

۲- بنگرید به سوره عنکبوت ۲۹ - ۳.

و از «فتنه» پرسید و اینکه آیا ایشان در این مورد چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده است یا نه؟ آن حضرت می فرماید:
وقتی آیه «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۱) نازل شد (یعنی: آیا مردم می پندارند

همین که گفتند: ایمان آوردیم، رها می شوند و امتحان نمی شوند؟).

از پیامبر درباره این امتحان که پیش خواهد آمد پرسیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اَمَّتْ مِنْ پس از من امتحان خواهند شد.

پس از گفتگوهایی، پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«يا علي! إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ، وَيُتْمَنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ وَيَأْمَنُونَ سَيْطُونَهُ وَيَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَالْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ...» (۲).

یا علی! این مردم پس از این با اموالشان امتحان خواهند شد و با دینداری شان بر خدا مَنّت می گذارند و تمنای رحمت او را دارند و از خشم و قهر الهی ایمن می شوند، حرام خدا را با شبهه های دروغ و خواهشهای غفلت آمیز، حلال می شمردند، شراب را به نام آب انگور، و رشوه را به نام هدیه، و ربا را به نام داد و ستد حلال می دانند!

اینها اشاره به نوعی آزمایش شدن در مسائل مالی و حلال و حرام و شهوات و تمنیات نفسانی است که تاریخ هم نشان داد برخی از مسلمانان پس از پیامبر، در این فتنه و آزمون شکست خوردند و امتحان خوبی پس ندادند. (به امتحان الهی در عرصه مالی خواهیم پرداخت).

ص: ۱۶

۱- عنکبوت ۲۹ آیه ۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

پس گریزی و گزیری از امتحان نیست. خدا همه را امتحان خواهد کرد. در این مورد، آن حضرت کلام دیگری هم دارد که خواندنی است.

می فرماید:

«لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ»، لِإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ، وَلَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَ تَعِدُّ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ...» (۱)

هیچ کدام از شما چنین نگوید: «خدایا، از فتنه و امتحان به تو پناه می برم»، چرا که هیچ کس نیست مگر آنکه دچار فتنه و آزمونی می شود، لیکن هر کس می خواهد پناه ببرد، از فتنه های گمراه کننده و آزمونهای لغزاننده به خدا پناه ببرد.

بنابراین اگر کسی بگوید: خدایا برای من امتحان پیش نیاور! این غلط است، این مخالفت با سنت الهی است، چون او بدون استثنا همه را خواهد آزمود. مهم پیروزی و روسفیدی در امتحانهای الهی است.

در ادامه سخن، حضرت می فرماید:

خداوند فرموده است: اموال و فرزندان شما وسیله امتحان اند. معنایش آن است که او بندگان را با اموال و اولاد، امتحان می کند، تا روشن سازد که چه کسی به روزی خدا اعتراض دارد و چه کسی به تقسیم رزق الهی راضی است، در حالی که خدا از خودشان نسبت به آنان داناتر است، ولی می خواهد کارهایی از آنان آشکار شود و سر بزند که به خاطر آنها مستحق ثواب و پاداش، یا سزاوار کیفر شوند. برخی فرزند پسر را دوست دارند و از فرزند دختر بدشان می آید، بعضی

ص: ۱۷

افزایش ثروت را دوست می دارند و از آسیبهای مالی و آشفته‌گی حال، ناراحت می شوند (ولی اینها گاهی وسیله امتحان است).

آیه ای هم که در کلام آن حضرت به آن استناد شده است، بیانگر تصوّر نادرست کسانی از مسلمانان است که پیش از هجرت در مکه بودند و به خاطر ترس و بیم از شکنجه و تهدیدهای مشرکان، از ایمان خود دست کشیدند، چون فکر نمی کردند مسلمان شدن، آن همه خطر و سختی برایشان داشته باشد و چون دیدند که به خاطر ایمان آوردن مورد فتنه و آزار مشرکان قرار می گیرند، در ایمان خود سست شدند.^(۱)

این امتحان و هشدار خدایی، مایه عبرت دیگران است، تا در راه دینداری و اسلام، صبور و مقاوم باشند و از تهدیدها و خطرهای نهراسند.

ص: ۱۸

دنیا، سرای آزمایش

یکی از سؤلهای همیشگی انسان، این بوده که چرا آفریده شده است؟ چرا به دنیا می آید و چرا پس از مدتی می میرد؟ به کجا می رود و هدف از این آمدن و رفتن چه بوده است؟

از میان پاسخهای متعدد، یکی هم این است که حضور انسان در این مرحله، برای امتحان عبودیت و بندگی و رسیدن به کمال است. همه شرایط برای برگزاری یک آزمایش دقیق برای انسان فراهم است. دنیا، جایگاه اصلی و همیشگی او نیست. اینجا معبر است و مقصد جای دیگر است و در اینجا باید امتحان شود تا در ابدیت، نتیجه انتخاب خوب یا بد خود را ببیند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ، وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَلَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرًا وَإِنَّمَا وُضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى

ص: ۱۹

خدای سبحان، دنیا را برای آنچه پس از دنیاست قرار داده است و اهل دنیا را در دنیا امتحان کرده، تا روشن کند چه کسی از مردم بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و مأمور نگشته ایم که در دنیا [و برای دنیا] تلاش کنیم، بلکه ما را در این دنیا قرار داده اند تا به وسیله

آن مورد آزمایش قرار گیریم.

این همان حقیقتی است که در آغاز سوره مُلک هم در بیان فلسفه خلقت انسان و آفرینش مرگ و زندگی بیان شده است که :

خداوند، مرگ و زندگی را آفرید، تا معلوم کند و شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید. (۲)

دنیا با همه آنچه در آن است، از عمر و زندگی، از جوانی و نیروهای آن، ثروت و قدرت، فرزندان و دوستان، فقر و غنا، بیماری و تندرستی، آمدن و رفتن، همه و همه وسیله آزمایش انسان است، تا روشن گردد چه کسی در دام آن گرفتار می شود و در باتلاق دنیا فرو می رود، و چه کسی پای خود را از دام آن رها می سازد و دنیا را وسیله کسب آخرت و نجات خویش قرار می دهد.

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

«أَلَا وَانَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا. وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ إِذْ كَانَ لَهَا. ابْتُلِيَ

ص: ۲۰

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۵.

۲- «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَتُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» ملك ۶۷.

هان! دنیا سرایی است که از آن نمی توان به سلامت رست. مگر [با تقوا و پرهیزکاری] در آن. از کارهای دنیایی کسی نجات نمی یابد. مردم به آزمون دنیا دچار شده اند. از دنیا آنچه را برای دنیا بگیرند، از کف می دهند و بر همان موخذه می شوند و از دنیا آنچه برای غیر آن بگیرند، برایشان ماندگار است. دنیا نزد خردمندان چونان بازگشت سایه است، در همان حال که سایه را گسترده می بینی جمع می شود و در همان حال که افزوده اش می بینی کاسته می شود.

در این عبارات به ناپایداری دنیا و بی وفایی آن اشاره شده است و برنده آنانند که با رهتوشه گرفتن از دنیا برای آباد ساختن آخرت خویش، از این امتحان سربلند بیرون می آیند و در دنیا در جا نمی زنند.

بیشتر هم اشاره شد که حوادث تلخ و شیرین جهان، هر دو وسیله آزمایش است، گاهی بر نعمت باید شکر کرد و گاهی بر سختی باید صبر نمود. آن که ناشکری و بی صبری از خود نشان می دهد، شکست خورده این امتحان است.

قرآن کریم، از قول حضرت سلیمان نقل می کند که نسبت به آن سلطنت الهی و قدرت بی نظیر که خدا به وی عطا کرده بود، گفت:

این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که شکر

می گزارم یا ناسپاسی می کنم. (۲)

ص: ۲۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۶۳.

۲- «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» نمل ۲۷-۴۰.

در سخنان امام حسین علیه السلام نیز چنین آمده است که:

مردم بنده و برده دنیايند و دين بر زبانشان مي چرخد و تا وقتي زندگيهاشان بر محور دين بگردد ، در پي آنند ، اما وقتي به وسيله «بلا» آزموده شوند ، دينداران اندك مي شوند : «فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ».(۱)

تا حادثه و سختي پيش نيايد و امتحانهاي دشوار راه دينداري چهره نشان ندهد ، بسياري از افراد در صفِ اهل ايمان و ياران حقّ اند، اما با ظهور صحنه هاي آزمون ، رنگ مي بازند و چهره عوض مي كنند.

بسا كس اند از اين همراهانِ آري گوي

كه دل به وسوسه راه ديگري دارند...

بنابراين مي توان دنيا را سراي آزمون ناميد و انسانها را طلاهايي كه در كوره گداخته حوادث و ابتلاءات قرار مي گيرند ، تا پخته و آزموده شوند و جوهره ناب كمالات انساني آنان آشكار و برجسته گردد.

در سخني ديگر، حضرت علي عليه السلامي فرمايد:

«فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَلِغَيْرِهَا خُلِقْتُمْ».(۲)

در دنيا آزمائش شده ايد و براي غير دنيا آفريده شده ايد.

مرغ باغ ملكوتم، نيم از عالم خاك

چند روزي قفسي ساخته اند از بدنم

ص: ۲۲

۱- تحف العقول ، ص ۲۴۵.

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۲۰۳.

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سرکویش پر و بالی بزنم (۱)

انسانها را می توان در دنیا همچون شاگردانی دانست که در «کلاس زندگی» یا جلسه امتحان نشسته اند.

در کلاس عُمر ، هر کس را یک بار می نشانند و درس می دهند و امتحان می گیرند. خوشا آنان که هوشیارانه در این آزمون شرکت می کنند و برنده می شوند ، چرا که : بسیاری از آنان که می روند ، نمی رسند و بسیاری از کسانی که می دوند ، نمی برند!...

ص: ۲۳

۱- منسوب به مولوی.

چرا امتحان می شویم؟

آن که دیگری را می آزمایید ، برای کشف و فهم چیزی است که آن را نمی داند. مثل معلّمی که شاگردش را در امتحان می آزماید ، یا دوستی که دوستش را در شداید و سختیها امتحان می کند ، یا افسری که یک درخواست کننده گواهینامه رانندگی را آزمایش می کند.

اما امتحان الهی برای کشف یک مجهول یا افزایش علم خدا نیست ، چون او از همه چیز خبر دارد. می آزماید ، تا هم وضعیّت بر خود شخص روشن گردد ، هم برای دیگران. به علاوه در آزمونهای الهی ، عبرتها و پندهای فراوانی برای مردم است که اگر هوشیار باشند ، از این امتحانها درس می گیرند و راه زندگی را درست می پیمایند و به چاله و چاه غفلت و گناه نمی افتند.

حضرت علی علیه السلام در سخنی ، واجب ساختن روزه را برای آزمون اخلاص مردم می داند : «وَالصَّيَامُ اِتِّبَاءٌ لِاِخْلَاصِ الْخُلُقِ» (۱) از آنجا که روزه ،

ص: ۲۴

یک عبادت پنهانی و بدون نمود است، یعنی نخوردن و نیشامیدن است، نه کاری که نمود و جلوه ظاهری داشته باشد، بنابراین عرصه آزمون اخلاص مردم است و مردم میزان خلوص و بی‌ریایی خود را از رهگذر انجام این عبادت و تکلیف، می‌شناسند.

خداوند، بندگان را آفرید و به پرستش فرمانشان داد و طاعت و عصیان را به اختیار خودشان گذاشت، تا آگاهانه راه خیر و عمل صالح را برگزینند و بر این انتخاب، پاداش یا کیفر یابند. او می‌دانست که هر کس با استفاده از قدرت اختیار، چه راهی را خواهد پیمود و چه سرنوشتی خواهد داشت. دوزخیان و بهشتیان برای خدا از آغاز روشن اند، اما برای اتمام حجت و برای اثبات ایمان و صداقت در عقیده و برای اینکه خودشان نتیجه امتحان را ببینند و فردای قیامت ادعایی علیه خدا نداشته باشند، صحنه‌های آزمایش برای بشر پیش آورده است تا هر کس سیمای واقعی خود را در «آینه امتحان» تماشا کند.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ، لَا - أِنَّهٗ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَّصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَمَكْتُونٍ ضَمَائِرِهِمْ، «وَلَكِنْ لِيُبَلِّغَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، فَيَكُونُ الثَّوَابُ جَزَاءً وَالْعِقَابُ بَوَاءً» (۱).

خداوند متعال، وضع و حال مردم را روشن و آشکار ساخت، نه آنکه

آنچه را از اسرار پوشیده و رازهای درونی دارند نداند، بلکه برای آنکه

آنان را بیازماید که کدامشان بهتر عمل می‌کنند، تا ثواب، پاداش آنان

ص: ۲۵

باشد و عقاب، کیفر زشتکاری شان.

اگر امتحانی که جداکننده خوب و بد و فرمانبردار و نافرمان است در کار نباشد، هر کس خود را «بهترین» می داند و اگر تنها به ادعای افراد اکتفا شود، هیچ کس حاضر نیست که قصور و خطا و ناخالصی خود را بپذیرد. به قول سعدی:

گر ار بسیط زمین عقل منعدم گردد

گمان به خود نبرد هیچ کس که نادانم

امتحانهای الهی، مخصوص آدمیان نیست. حتی برای فرشتگان هم آزمایش وجود دارد، تا صف آنان هم به تناسب عبادت و اطاعتشان از هم جدا شود.

حضرت علی علیه السلام در ماجرای فرمان الهی نسبت به سجده ملائکه بر آدم می فرماید:

«ثُمَّ اخْتَبَرَ بِذَلِكَ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، لِيَمَيِّزَ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْهُمْ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ» (۱).

خداوند بدان وسیله فرشتگان مقرب خویش را آزمود، تا متواضعان را از متکبران بازشناخته و جدا سازد.

البته فرشتگان، همه فرمانبردارند، اما ابلیس که در اصل از جنیان بود و در صف فرشتگان به عبادت الهی مشغول بود، تکبر کرد و در آزمایش الهی که بر محور «اطاعت فرمان» بود، شکست خورد و رانده در گاه حق گشت. این گونه ابتلاعات و آزمونها مایه عبرت و تنبه دیگران است.

ص: ۲۶

«ما در تمام عمر،

هر لحظه در کشاکش یک آزمایشیم

ایمان و اعتقاد،

هنگام آزمایش و در صحنه عمل

اثبات می شود

ورنه در ادعا، همه بی عیب و کامل اند

با این همه شعار مسلمانی

باید عیان شود که «مسلمان» کیست،

یعنی کسی که تابع و تسلیم امر اوست».

سنگینی امتحان نیز آنجاست که امتحان شونده، یا رمز و راز و فلسفه

یک دستورالعمل را نداند، یا آن را مطابق فهم و عقل خویش نشناسد، یا نظر و خواسته دیگری داشته باشد. اینجاست که میزان تعبد و تسلیم در اجرای فرمان شناخته می شود.

داستان سجده فرشتگان بر آدم که از خاک و گل است، و اجرای فرمان از سوی فرشتگانی که وجود نوری دارند و به ظاهر برترند، به همین سبب از آزمونهای دشوار به شمار می رود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اگر خداوند می خواست که «آدم» را از نوری درخشان و خیره کننده چشمها و مبهوت کننده عقلها خلق کند که چنان خوشبو و معطر باشد که جانها را بیاکند، می توانست. و اگر چنان می کرد، همه گردن اطاعت خم می کردند و آزمایش بر فرشتگان بسیار سبک و آسان می شد. اما خدای سبحان، بندگان را به برخی از چیزها که اصلش را نمی دانند

می آزماید، تا هم جوهره آنان را با این امتحان روشن کند، هم تکبر و غرور را از ایشان دور و طرد کند. (۱)

آن گاه توصیه می فرماید که از سرگذشت ابلیس عبرت بگیرند که آن

همه عبادتهای طولانی و تلاشهایش در راه بندگی، با یک ساعت تکبر و یک نافرمانی تباه و نابود شد. وقتی ابلیس با شش هزار سال عبادت، نافرمانی کرد و مطرود شد، چه تضمینی است که انسان از این ورطه و آزمایش سالم به در آید و مصون بماند؟!

ص: ۲۸

۱- «وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْطَفُ الْأَبْصَارَ ضِيَاؤُهُ...» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

چگونه امتحان می شویم؟

ابزار امتحان هر کس گاهی با دیگری متفاوت است.

گاهی فقر و غنا مایه امتحان است ، به ویژه تنگدستی و فقر که

تحملش دشوار و زمینه لغزش در آن بسیار است.

برخی افراد به خاطر کمبود امکانات، تنگدستی، نیازمندی و فقر ، دچار فساد و فحشا می شوند ، یا دزدی و اختلاس می کنند، یا به درگاه الهی ناسپاسی و کفران نعمت می کنند، یا به تقدیر و قسمت الهی ناراضی می شوند.

بعضی هم به وسیله برخورداریهها و داشته هایشان امتحان می شوند و ثروتشان وسیله امتحان است که آیا از آن در راه درست استفاده می کنند یا غلط ، طاعت می کنند یا گناه ، به فقرا می رسند یا خودشان بهره می گیرند ، حقوق واجب دینی را ادا می کنند یا طفره می روند ، انفاق و احسان دارند یا بخل می ورزند ، شکر می کنند یا از نعمت و صاحب نعمت غافل اند و ناسپاسی می کنند؟ پس همه اینها صحنه های آزمایش الهی است.

ص: ۲۹

امیرمؤمنان، با اشاره به اینکه دنیا خانه عبور است و آخرت سرای

ابدی، و توصیه به اینکه از این «گذرگاه» برای آن «قرارگاه» توشه بگیرید و دلبسته این دنیا نباشید و پیش از اینکه بدن های شما را از دنیا ببرند، دلهای خود را از دنیا بیرون ببرید، می فرماید:

«إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ قَالَ النَّاسُ: مَا تَرَكَ؟ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ؟» (۱)

وقتی انسان می میرد، مردم می گویند: چه برجا گذاشت؟ و فرشتگان

می پرسند: چه پیش فرستاد؟

و آیا این امتحان نیست؟ و آیا برنده آنان نیستند که در دنیا با دنیا خانه آخرتشان را آباد می کنند؟

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد زپس، تو پیش فرست

آنچه در اختیار ماست، از خداست. در عین حال، خدا از ما خواسته

که از موهبتهای او در راه خیر و رفع نیاز بینوایان استفاده کنیم. او به ما داده، اما از ما قرض خواسته است. برخی افراد حاضر نیستند به خدایی که صاحب اصلی نعمتها و داده هاست، قرض دهند. آیا این شکست در آزمون نیست؟ خداوند سرچشمه نصرت و امداد و یاری است، اما از مسلمانان خواسته که با جهاد در راه حق و اسلام، خدا را یاری کنند. این هم نوعی امتحان است.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه های پندآمیز خویش، از مردم می خواهند که تا سالم و تندرست اند، عبادت و کار خیر کنند و تا مجال باقی است، برای آخرت بکوشند و خود را آزاد کنند، در راه نیکی گام

ص: ۳۰

بردارند و از اموالشان انفاق کنند و جسمها و بدنهای خود را خرج روح و روان خود کنند. سپس آیاتی از قرآن را یاد می آورد که پروردگار، از بندگانش نصرت و یاری خواسته است «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ - يَنْصُرْكُمْ...» (۱) و آیاتی که به مردم می گوید به خدا وام نیکو بدهند تا برایشان بیفزاید «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ - قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (۲) و می فرماید:

خدا از روی ناداری و فقر از شما قرض نمی گیرد، و از شما که یاری

خواسته، نه به خاطر ضعف و ناتوانی است، چرا که سپاه آسمانها و زمین، همه از آن اوست و همه گنجینه های عالم در زمین و آسمان از آن خداست، بلکه خواسته است شما را امتحان کند که کدامتان بهتر عمل می کنید. پس با کارهای نیکتان بشتابید تا در سرای ابدی از همسایگان و مقربان پروردگار باشید: «وَأِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...» (۳)

این یک نمونه از «امتحان مالی» است که متأسفانه بعضی در آن ناکام می شوند و شکست می خورند.

کمی و زیادی روزی و وسعت معیشت و تنگنای آن نیز یکی از صحنه های امتحان است. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«وَقَدَّرَ الْأَزْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَقَلَّلَهَا وَقَسَمَهَا عَلَى الضُّبِقِ وَالسَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيُبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا، وَلِيُخْتَبَرَ بِذَلِكَ الشُّكْرِ وَالصَّبْرِ مِنْ غَيْرِهَا»

ص: ۳۱

۱- محمد ۷۴۷.

۲- بقره ۱ ۲۴۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳.

خداوند، روزیها را مقدر و معین ساخت، بعضی را فراوان و بعضی را اندک، در کار برخی گشایش داد و بر برخی تنگ گرفت و در هر مورد عدالت رعایت گردید، تا هر کس را بخواهد با وسعت رزق یا تنگدستی بیازماید، تا بدین وسیله شکر توانگر و صبر تنگدست را امتحان کند.

همان طور که قرآن، گاهی کاهش ثمرات و مرگ و میرها و مصیبتها و گرسنگی و ترس را وسیله آزمایش می داند، (۲) امیرمؤمنان هم این گونه سختیها را آزمایش الهی معرفی می کند، تا هشدار و بیدارباشی برای غافلان و بدکاران شود و بدانند که این گونه ناملایمات در زندگی، نتیجه گناهان خودشان است و دست از بدی و فساد بردارند.

کلام نورانی آن حضرت چنین است :

«إِنَّ اللَّهَ يَتَّبِعُ عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَإِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَيُقْلَعَ مُقْلَعٌ وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَيَزُجَرَ مُزْدَجِرٌ.» (۳)

خداوند، بندگانش را هنگام انجام کارهای ناپسند، دچار کاهش میوه درختان و قطع شدن برکتها (ناباریدن باران) و بسته شدن گنجینه های خیرات می سازد [و بدین وسیله آنان را می آزماید]، بلکه توبه کننده ای

باز گردد، و گناهکار از گناه دست بردارد، و پند گیرنده پند گیرد، و

ص: ۳۲

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱ خطبه طولانی «اشباح».

۲- «وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ» بقره ۲، ۱۵۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

بازدارنده ، راه نافرمانی را [بر بندگان خدا] بگیرد.

از نسیمی دفتر ایام بر هم می خورد

از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن (۱)

گاهی هم امتحان ، به مهلت دادن و نعمت بخشیدن و پرده پوشی است.

در قرآن کریم از این نوع آزمون به «استدراج» ، و «امهال» و «املاء» یاد شده است و استدراج ، یکی از سنتهای الهی است ، یعنی خداوند دست انسان را باز می گذارد و با همه بدیهایش به او مهلت می دهد و نعمتش را قطع نمی کند ، تا ببیند آیا دست بر می دارد یا نه؟ متنبه می شود یا نه؟

در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به این شیوه آزمایش الهی نیز اشاره شده است:

«كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَمَغْرُورٍ بِالسُّتْرِ عَلَيْهِ وَمَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ ، وَمَا ابْتُلِيَ اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْإِمْلَاءِ لَهُ» (۲)

چه بسا کسی که با نعمتی که بدو دهند ، به دام افتد و چه بسا کسی که با پوشاندن خطایش ، دچار غرور گردد و چه بسا کسی که با سخن نیک دیگران درباره وی ، فریفته شود. خداوند هرگز کسی را به امتحانی همچون «مهلت دادن» نیازموده است.

اگر کسی راز این مهلت دهی را درنیابد و از حلم و ستاریت خدا سوء استفاده کند و همچنان به گناه ادامه دهد ، در لحظه ای و با حالتی مچ او را می گیرند و موخذه می کنند که نه راه برگشت دارد ، نه انکار و نه جبران. پس باید چنین هشدارهایی را جدی گرفت و فرصت و مهلت الهی را

ص: ۳۳

۱- صائب تبریزی.

۲- نهج البلاغه ، حکمت ۱۱۶ و ۲۶۰.

نباید به حساب این گذاشت که خداوند پیگیر نخواهد بود.

امام علی علیه السلام در هشدار دیگری چنین می فرماید:

«الْحَذَرُ! الْحَذَرُ! فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ، حَتَّى كَأَنَّ نَهْ قَدْ غَفَرَ» (۱).

بترسید ، بترسید، به خدا سوگند که گاه چنان گناه را می پوشاند که گویا آن را آمرزیده است!

ص: ۳۴

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۳۰.

در بخش چگونگی آزمایش و انواع امتحانهای الهی ، به امتحان مالی

هم اشاره شد. امّا به دلیل اهمّیت این آزمون و اینکه بسیاری از مردم با «پرداختهای مالی» و ادای حق الله و حق الناس در مسائل مالی امتحان می شوند و فقر و غنا میدان مهمّی برای آزمایش افراد است ، در این زمینه توضیح بیشتری می خوانید.

در کلامی حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ ، فَيَقْرُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ» (۱).

خداوند بندگانی دارد که آنان را با نعمتها مخصوص ساخته است تا به بندگان سود برسانند ، پس تا وقتی که از آن نعمت ، بذل و بخشش می کنند ، آن را در دستشان برقرار می دارد ، هرگاه که از دادن و بخشیدن آن رویگردان شوند ، آن نعمت را از ایشان می گیرد و به دیگران می سپارد.

ص: ۳۵

سنت استدراج و مهلت دهی که در بخش قبل به آن اشاره شد ، در

مسائل مالی هم وجود دارد ، آن حضرت می فرماید:

«إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَأَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرُهُ» (۱)

هرگاه دیدی خداوند ، پیوسته نعمتهایش را در اختیار تو می گذارد ، در حالی که تو او را نافرمانی می کنی ، پس از او بترس!

این هشدار برای آن است که طبق قانون الهی، وقتی کسی از نعمتی

سوء استفاده کند ، یا نسبت به صاحب نعمت ، نافرمانی کند ، باید آن نعمت از او گرفته شود. ولی، اگر هم معصیت ادامه می یابد ، هم نعمت خدا استمرار دارد ، ممکن است برنامه ای در کار باشد تا سر بزنگاه ، مچ بنده خطا کار را بگیرد و با پرونده ای سنگین به پای میز محاکمه اش بکشد.

پس هم باید از انتقام الهی بیمناک بود ، هم از نعمت بخشی خداوند ، آنجا که طبق سنت و برنامه استدراج، نعمت می بخشد تا بنده اش را بیازماید.

از سخنان آن حضرت است:

ای مردم! خداوند باید شما را از نعمت، هراسان و بیمناک ببیند، آن گونه که شما را از انتقام کیفر، ترسان و نالان می بیند ، کسی که به او وسعت مالی و ثروت داده شود ، اما این را «استدراج» نبیند ، خود را از کاری ترسناک، ایمن پنداشته است و هر کس دچار تنگدستی و فقر گردد و این را آزمایش نپندارد، آنچه را می توانست پاداش آور باشد تباه

ص: ۳۶

در جای دیگر فرموده است:

خداوند، امتهای پیشین را با مخمصه و تنگناها و سختیها مورد آزمایش قرار داده است. (۲)

نیز در کلامی دیگر فرموده است: «إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَهُ...» (۳)

فقر و تنگدستی از جمله بلا (و امتحانها)ست...

کسی که چنان دل بسته به مال دنیا باشد که نه حقوق واجب دینی را

پپردازد، نه از آنچه دارد به بینوایان کمک کند، نه در راه عقیده و ادای تکلیف، دست از آنچه دارد بکشد، نه اهل انفاق و صدقات و مشارکت در امور خیر باشد و نه خیرش به کسی برسد، شایسته برخورداری از نعمتهای خدا نیست و داشته هایش در معرض زوال قرار می گیرد و مردودی در امتحان مالی برایش گران تمام می شود.

و چه بسیار کسانی که به سبب همین وابستگی مادی، از دین و معنویت و راه خدا فاصله گرفتند و امر الهی را نافرمانی کردند. داستان قارون که در قرآن نیز آمده است، یکی از بهترین نمونه هاست.

ص: ۳۷

۱- أَيُّهَا النَّاسُ، لِيَزَكِّكُمْ اللَّهُ مِنَ النَّعْمَةِ وَجَلِيْنَ... نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸.

۲- قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَخْمَصَةِ وَابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ... نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸.

گفتیم که از رموز و اسرار آزمایش، امتحانِ میزانِ تسلیم و اطاعت

بی چون و چرای بندگان در برابر فرمان مولاست. بنده واقعی بنده ای است که در برابر امر مولایش، چون و چرا نکند و تسلیم محض باشد و هر چه گفت، بی درنگ بپذیرد و عمل کند، هر چند نداند که «چرا». مثل تسلیم بودن حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذبح فرزند عزیزش اسماعیل، نیز آمادگی

اسماعیل ذبیح الله برای قربانی شدن.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

هر چند که امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان خویش، گاهی فایده و حکمت و اسرار برخی دستورهای دینی را بیان فرموده است، (۱) اما در

ص: ۳۸

۱- از جمله در حکمت ۲۵۲ نهج البلاغه: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ...»، نیز در بخشی از خطبه ۱۹۲: «وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَمُجَاهَدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ...».

موارد متعددی، روح اسلام و دینداری را تعبد و تسلیم در برابر فرمان خدا دانسته است. یکی از این دستورها انجام فریضه حج است. گرچه تک تک حرکات و اعمال حج دارای فلسفه و درس و نکته است، اما یک بنده مخلص و مطیع، اگر هم رموز و فلسفه برخی از آنها را نداند، چون خداوند فرمان داده است و او مولا- و صاحب اختیار است، می پذیرد و بی چون و چرا عمل می کند، آن هم دقیق و مو به مو. و این یکی از امتحانهای الهی و نشانه رهایی از خودبینی و رسیدن به خدا خواهی است.

در یکی از خطبه های طولانی نهج البلاغه که به نام خطبه «قاصعه» معروف است، امیرمؤمنان با مثالهای متعدد و بیانها و تعبیرهای مختلف، به مقابله با روحیه غرور و تکبر و استکبار بشر می پردازد و به تعیّد و اطاعت و تسلیم بودن در مقابل امر خدا و کنار گذاشتن تعصّب و لجاجت فرا می خواند.

در بخشی از این خطبه، بر محور این نکته که گاهی آزمون الهی به این است که به چیزی فرمان می دهد، و مخاطبان اصل آن و دلیل فرمان را نمی دانند، ولی امر خدا برای آزمودن میزان تبعیت و فرمانبرداری بندگان است، به «حج» و زیارت خانه خدا و انجام اعمال و مناسک آن مثال می زند و می فرماید:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، إِلَى

الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ؛ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ...» (۱)

ص: ۳۹

۱- چون متن عربی طولانی است، به ترجمه آن اکتفا می شود. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

آیا نمی بینید که خداوند سبحان، همگان را از حضرت آدم تا کسانی که پس از آنها آمده اند، در این جهان به وسیله سنگهایی آزموده (۱) که نه زیان می زند و نه سود می بخشد، نه می بیند و نه می شنود. آن را خانه با حرمت خود ساخت و برای فراهم آمدن و عبادت مردم قرار داد. سپس این خانه را در سنگلاخ ترین سرزمین و بی گیاه ترین جای دنیا و کم فاصله ترین درّه ها قرار داد، در میان کوههای خشن و سخت، و سنگریزه های انبوه و چشمه های کم آب و آبادیهای دور از هم، که نه شتر در این سرزمین می آساید، نه اسب و نه گاو و گوسفند. سپس به آدم صلی الله علیه و آله و فرزندان او فرمان داد که به سوی کعبه آیند.

این چنین، خانه خدا مرکز تجمیع سفرهایشان و سرمنزله کوچیدنهایشان گشت، به گونه ای که مردم با دل‌های شیفته از صحراهای خشک و دشتهای دور و درّه های عمیق و از شهرها و جزیره های پراکنده دریاها به سوی آن روی می آورند و خاشعانه بر گرد کعبه می چرخند و لا اله الا الله می گویند، با موهای آشفته و غبارآلود، در حالی که جامه های خویش را که نشانه شخصیت و امتیاز است در آورده اند و با اصلاح نکردن موهای خود، زیباییهای خود را پوشیده می دارند. آزمونی بزرگ و امتحانی دشوار و گزینشی آشکار و پاکسازی روشن و رسایی است! خداوند، آن (دیدار خانه خود) را سببی برای رحمتش و پیوند دهنده و رساننده به بهشتش قرار داده است.

و اگر خداوند می خواست که خانه با حرمت و عبادتگاه با عظمت

ص: ۴۰

۱- مقصود، خانه کعبه است که از سنگهای عادی بنا شده است.

خویش را در میان باغستانها و نهرها و سرزمینهای سرسبز و هموار و پردرخت و پرمیوه و در دل مناطق آباد و پرجمعیت و روستاهای به هم پیوسته و گندمزارها و باغات پر از گل و گیاه و خوش منظره و چشم نواز و پر آب و آبادانی و بوستان و جاده های آباد قرار دهد به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز کم می شد.

و اگر شالوده و پایه های خانه خدا و سنگهای به کار رفته در این بنا، از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، سبب می شد که دلها دیرتر به شک افتد و تلاش شیطان را برای برگرداندن دلها از توجه به این خانه، دور می کرد و وسوسه و تردید را از سینه مردم می کاست.

ولی خداوند، بندگانش را با سختیهای گوناگون می آزماید و با ناملایمات مختلف امتحانشان می نماید، تا تکبر را از دلهایشان بیرون کند و فروتنی را در جانهایشان جای دهد و این عبادت را درهایی گشوده به فضل و رحمتش، و اسبابی فراهم و آماده برای بخشایش الهی قرار دهد. (۱)

مهم ترین نکته و کلید این آزمون، همین است که بنده، مطیع مولا و تسلیم فرمان او باشد، حتی اگر نمی داند چرا؟

به تعبیر یکی از بزرگان، اگر بنا باشد در دستورهای خدا، فقط آنچه را بفهمیم برای چیست اطاعت کنیم و بپذیریم، در واقع ما بنده فهم خودمان شده ایم، نه بنده پروردگارمان و مطیع عقل خود شده ایم نه مطیع خدا!

ص: ۴۱

۱- «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتِبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ، إِخْرَاجاً لِلتَّكْبَرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَأَسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ...» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

این امتحان سخت ، برای حضرت موسی علیه السلام نیز پیش آمد ، آنجا که با خضر همسفر شد ، اما با این شرط که نسبت به آنچه در طول سفر می بیند ، سؤل و چون و چرا نکند. وقتی خضر نبی، آن کشتی را سوراخ کرد و آن نوجوان را کشت و آن دیوار رو به ویرانی را تعمیر و بازسازی کرد ، در هر سه مورد ، موسی زبان به اعتراض گشود که چرا چنین کردی؟ و چون راز جریان را از زبان خضر شنید، دانست که در امتحان شکست خورده است ، چون قرار بود نسبت به آنچه می بیند، چون و چرا نکند. (۱)

ص: ۴۲

۱- داستان آن مفصل است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: تفسیر آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف.

آزمون در بوته سختیها

از صحنه ها و وسیله های امتحان انسان از سوی خداوند ، پیش آمدهای دشوار و صحنه های خطیر و داغها و بیمهاست و هر چه رتبه بندگان بالاتر باشد ، آزمون های سخت و ابتلاءات بزرگ تری پیش می آورد ، تا هم بندگان را در کوره گذاشته سختیها آبدیده تر و پخته تر کند ، هم عظمت آنان را به مردم بهتر نشان دهد ، هم پاداش بزرگ تری به آنان عطا کند.

هر که در این بزم ، مقرب تر است

جام بلا بیشترش می دهند

امام علی علیه السلام در ستایش از روحیه تواضع و خاکساری انبیا و مردم گرایی و نועدوستی آنان ، می فرماید:

«قَدْ اخْتَبَرَهُمْ بِالْمَحْمَصَةِ وَابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ وَامْتَحَنَهُمْ بِالْمَخَاوِفِ وَمَخَضَهُمْ

بِالْمَكَارِهِ...» (۱)

خداوند آنان را با گرسنگی آزمود و به سختی دچارشان ساخت و با

ص: ۴۳

بیمها و ترسها امتحانشان کرد و با مشکلات و ناگواریها خالصشان ساخت. پس مال و فرزندان را میزان خشم یا خشنودی خدا ندانید، که این نشان ناآگاهی از موارد امتحان و آزمون در بی نیازی و قدرت است.

چنان نیست که هر کس قدرت و مال داشت، محبوب خدا باشد و هر که تنگدست و بینوا بود، از چشم الهی بیفتد. گاهی توانگران از آزمون الهی روسفید بیرون نمی آیند، اما مستضعفان با صبر و عفاف، در امتحان پیروز می گردند. در ادامه همان سخن، حضرت می فرماید:

خداوند، گاهی مستکبران خود بزرگ بین را، به ارزشی که دوستان

مستضعف او در دیده آنان دارند، می آزماید. موسی بن عمران همراه برادرش هارون، وارد دربار فرعون شدند، در حالی که جامه ای پشمین بر تن و هر یک عصایی در دست داشتند و به فرعون گفتند: اگر تسلیم خدا شود، عزت و حکومتش باقی خواهد ماند. فرعون به دیده تحقیر در آن دو نگریست و به حاضران گفت: «آیا تعجب نمی کنید که این دو می خواهند دوام عزت و قدرت مرا تضمین کنند، در حالی که خودشان چنین فقیر و خوارند و دستبندهای طلا به همراه ندارند و...». وی طلا و زر اندوزی را مهم انگاشت و پشمینه پوشی را تحقیر کرد. در حالی که اگر خداوند می خواست، وقتی پیامبرانش را بر می انگیخت، همه گنجینه های طلا و جواهرات و باغ و بوستانها را برایشان می گشود و پرندگان آسمان و حیوانات وحشی صحرا را همراهشان می ساخت و اگر چنین می کرد، دیگر امتحانی نبود و پاداشی در کار نمی آمد و همه بشارتها و خبرهای آسمانی تباه می شد و برای پذیرندگان دعوت انبیا، پاداش امتحان شدگان لازم نمی گشت و موان نیکوکار، پاداش

نیکوکاران را در نمی یافتند. لیکن خدای متعال ، پیامبرانش را فرستاد که اراده ای استوار، ولی در چشم مردم ظاهری ساده و فقیر داشتند و با قناعتی که دلها و دیده ها را از بی نیازی پر سازد و گرسنگی و فقری که چشمها و گوشها را بیازارد. اگر پیامبران الهی، مقتدرانی بی شکست و حاکمانی بی زوال بودند که همه گردنها به سوی آنان کشیده می شد و مردم به طرف آنان بار سفر می بستند و به دربارشان می شتافتند، این ویژگیها، شرایط را برای امتحان شدن مردم آسان می ساخت و از گردنکشی در برابر انبیا دور می ماندند و از روی رغبت یا ترس به آنان ایمان می آوردند... ولی خداوند خواسته است که پیروی مردم از پیامبران و پذیرش کتب آسمانی و تسلیم شدن به آیین الهی، از روی ایمان قلبی و خشوع و پیروی و اطاعت واقعی و دور از هر شائبه ای باشد. هر چه که امتحان بزرگ تر باشد، پاداش الهی بزرگ تر خواهد بود. (۱)

این، هم برای خود انبیا وسیله آزمایش است که با دست خالی از ثروت و نداشتن پشتوانه قدرت و ریاست و ایل و تبار، باید با قدرتها و بدعتها و موهومات در افتند ، هم برای طاغوتها و توده مردم وسیله آزمایش است، که باید دعوت چنین فرستادگانی از سوی خدا را بپذیرند و پذیرای همه پیامدهای دعوت و ایمان باشند.

میزان تسلیم بودن بندگان در برابر فرمان خدا و آیین آسمانی ، از

ص: ۴۵

۱- فَإِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ الْمُسْتَضَعْفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ... نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

همین پذیرشها و اطاعتها و بهانه نیاوردنهای معلوم می شود.

نسبت به پذیرش ولایتِ ولیّ خدا نیز، همچون قبول یا عدم قبول نبوتِ انبیا، گاهی مردم در بوته آزمایش قرار می گیرند. اگر به بهانه های مختلف، سر از اطاعت «ولیّ الله» برتابند و به شرایط و لوازم بیعت با «امام» پایبند نباشند، در این صحنه آزمون شکست خورده اند.

دوران خلافت و حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام از همین صحنه ها و عرصه ها بود. حضرت می فرماید:

«أَحْمَدُ اللَّهُ - عَلِيَّ مَيَّا قَضَى مَنَ أَمْرٍ وَقَدَّرَ مَنَ فِعْلِهِ، وَعَلَى اِئْتِلَافِي بِكُمْ اِئْتِيَهَا الْفِرْقَةُ الَّتِي إِذَا أَمَرْتُ لَعَمْرُ تُطِيعُ وَإِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ...» (۱)

خدا را سپاس می گویم بر هر امری که خواسته و هر کاری که مقدر کرده است، و بر این که مرا گرفتار شما - و به وسیله شما امتحان - کرد، ای گروهی که هرگاه فرمان می دهم اطاعت نمی کنید، و هرگاه دعوت می کنم اجابت نمی کنید. وقتی به شما مهلت داده می شود در بیهودگی فرو می روید، و هرگاه با شما می جنگند سستی می کنید.

این صحنه، هم برای علی علیه السلام آزمایش است که گرفتار چنین پیروان سست و بی اراده و نافرمان شده است، هم برای آن قوم نافرمان، آزمون است که با داشتن پیشوایی چون حیدر کزار و علی مرتضی علیه السلام، در نبرد با دشمنان حق و ولایت، نافرمانی و کوتاهی می کردند، با آنکه پیمانهای استوار و بیعتهای محکم بسته بودند.

هزاران دست بیعتگر کجا رفت؟

وفا با آل پیغمبر کجا رفت؟

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۰.

در تفسیر خواجه عبدالله انصاری آمده است:

«مثال ربّانی از حضرت ربوبیت ، آن است که: بلا از درگه ما خلعتِ

دوستان است ، هر که در مقام دوستی بر اغیار مرتبتی جوید ، در بوستان نزهت دوستان ، گُل بلا بیشتر بوید». (۱)

* * *

باری... گذراندن «دوره زندگی» همراه با امتحانهای گوناگون است.

آنچه عبور از این دوره را با موفقیت همراه می سازد ، تقویت ایمان ، خودسازی، تمرین برای تحمل سختیها و توجه به مرحله «آخرت» است که پاداش صابران و مؤنان داده می شود.

کسی که در دنیا ، از امتحانهای سخت سرافراز بیرون آمده باشد ، در آخرت هم حسابش آسان و عبورش از «صراط»، سریع و بی خطر و جایگاهش «بهشت» خواهد بود. به این امید که از «فرزندان آخرت» باشیم، نه از «بردگان دنیا»!

ص: ۴۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

